

چهار کتیبه کردیر

موبد و مئثر



Ph. Gignoux

Les quatre inscriptions du

Mage Kirdîr,

Studia Iranica – Cahier 9

Paris, 1991, 108 p.

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

کرتیر (یا به تلفظ واقعی آن کردیر) نام موبد پرنفوذ اوائل ساسانی است که در دوران شش پادشاه (از اردشیر تانرسه) می زیسته و عامل مؤثری در پایه گذاری سیاست دین و دولت در اوائل دوره ساسانی بوده است. وی در زمان اردشیر و شاپور لقب ساده «هیرید» داشته و از نفوذ چندانی برخوردار نبوده است. علت این امر را علاوه بر جوانی این روحانی در این زمان، باید سیاست تسامح دینی شاپور دانست. از روایت های گوناگون چنین برمی آید که این شاه نسبت به ادیان و افکار خارجی به دیده تسامح می نگریسته است. مانی در زمان شاپور ظهور کرد و به حضور شاه رسید و اجازه یافت دین خود را تبلیغ کند. پیروزی یکی از برادران شاپور، واسطه ملاقات مانی و شاه بود و برادر دیگر او مهرشاه، فرمانروای میشان، به مانویت گروید. در کتاب مواعظ مانوی به زبان قبطی از زبان مانی خطاب به بهرام اول که سیاست خصمانه ای با مانویان پیش گرفته بود، آمده است که: «شاپور شاه خود مرا تیمار می داشت، و نامه هایی به سرزمینها خطاب به بزرگان

نوشت تا مرا پشتیبانی کنند». پس از درگذشت شاپور که شاه نیرومندی بود، هرمز اول به جای او نشست. در زمان سلطنت او که بیش از یک سال (۲۷۳ - ۲۷۲ میلادی) نپایید، کرتیر عنوان «موید اورمزد» (= موید اهوره مزدا) را به دست آورد. اما ظاهراً در زمان این پادشاه نیز همان تسامح دوران شاپور ادامه داشت، زیرا در همان متن قبطی می‌خوانیم که: «و شاه هرمزد همچنین کرد (یعنی مانند پدرش رفتار کرد)، زیرا پس از شاپور شاه من نزد او ... بودم ...^۱ هرمز در سال ۲۷۳ در ۴۲ سالگی درگذشت و برادرش بهرام اول جانشین او شد. کرتیر (کتیبه زردشت، س ۶) در مورد قدرت خود در زمان این پادشاه همان جملات قبلی را عیناً می‌آورد و لقب خود را نیز همان «موید اورمزد» ذکر می‌کند. به نظر می‌رسد که قدرت واقعی او از این زمان آغاز می‌شود و در دوران بهرام دوم، جانشین بهرام اول، به اوج خود می‌رسد. در این زمان توانست، نخست تزییقاتی برای مانی و پیروان او فراهم آورد و سپس او را به قتل برساند. شکنجه و آزار مانویان از این زمان شروع شد و تا آخر دوره ساسانی کم‌وبیش ادامه یافت که خود موجب مهاجرت آنان به ماوراءالنهر شد. بهرام دوم در سال ۲۷۴ میلادی به سلطنت رسید. کرتیر در کتیبه‌های خود (مثلاً کعبه زردشت، س ۷ به بعد) به این شاه که در هنگام سلطنت نوجوان بود، علاقه خاصی نشان می‌دهد. وی را خصوصاً با صفات «راد و راست و مهربان و نیکوکردار و نیکوکار» می‌ستاید، و قدرت خود را با جملاتی همانند آنچه در مورد شاهان قبلی آورده، شرح می‌دهد. علاوه بر آن، مقامات جدید خود را ذکر می‌کند: «موید و داور همه کشور»، «آیین‌بد» (رئیس تشریفات دینی) و «صاحب اختیار» آتش «ناهید اردشیر» و «ناهیدبانو» در استخر. ارادت بهرام به کرتیر و نفوذ او بر شاه جوان بسیار است، به گونه‌ای که این شاه لقب «بوخت روان بهرام»^۲ را که احتمالاً به معنی «موید بهرام مرحوم» است، بر عنوان قبلی او «موید اورمزد» می‌افزاید (کعبه زردشت، س ۹). امتیاز منحصر دیگری که بدو اعطا می‌کند این است که به وی اجازه می‌دهد کتیبه خود را زیر کتیبه شاپور اول بر دیوار کعبه زردشت که از بناهای سلطنتی بوده و نیز در سه محل مهم دیگر که به نقش‌های برجسته شاهان اختصاص داشته، بنویسد و در این سه محل نقش برجسته خود کرتیر نیز که از علامت قیچی بر روی کلاهش مشخص است، دیده می‌شود. مقام او در روحانیت هم‌مطراز مقام بهرام دوم در سلطنت است.

این چهار کتیبه کرتیر که هم از نظر زبانی اهمیت بسیار دارند - زیرا از زمره قدیمترین آثار مکتوب پهلوی به شمار می‌روند - و هم از جهت سیاسی و اجتماعی درخور توجه‌اند، عبارتند از: ۱) کتیبه سرمشهد که در ۳۶ کیلومتری مغرب دهستان جرّه و هشتاد کیلومتری جنوب کازرون واقع است. کتیبه در بالای صخره کنده شده و دسترسی بدان دشوار است. در بالای کتیبه نقش برجسته‌ای از بهرام دوم کنده شده که کرتیر نیز در آن دیده می‌شود. ۲) کتیبه نقش رستم که در زیر نقش کرتیر قرار دارد و بسیار آسیب دیده است و از نظر مضمون شبیه کتیبه سرمشهد است. ۳) کتیبه کعبه زردشت که در ضلع شرقی دیوار کعبه زردشت در زیر تحریر فارسی میانه کتیبه بزرگ شاپور نگاشته شده است. این کتیبه نسبت به دو کتیبه قبلی خلاصه‌تر است. ۴) کتیبه نقش رجب

بر دامنه کوه رحمت در فاصله یک کیلومتر و نیمی جنوب استخر (تخت طاووس کنونی) و در حدود سه کیلومتری شمال تخت جمشید واقع است. در قسمت چپ کتیبه تصویر کرتیر بر صخره نقش شده است. این کتیبه نیز نسبت به کتیبه‌های قبلی خلاصه تر است. در مورد تاریخ نگارش این کتیبه‌ها و قدمت هر یک اختلاف نظر وجود دارد. پروفیسور ژینیو کتیبه سر مشهد را تحریر اصلی و اقدام آنها و کتیبه نقش رجب را جدیدترین می‌داند. به هر حال کتیبه‌ها که از نظر مضمون به هم شباهت دارند، به فاصله زمانی اندکی از یکدیگر و احتمالاً در حدود سال ۲۹۰ میلادی نوشته شده‌اند.

از زمان کشف این کتیبه‌ها کوشش‌های بسیاری برای خواندن و ترجمه و تفسیر آنها انجام گرفته و در نشریات گوناگون مقالات بسیاری به زبان‌های گوناگون درباره آنها نوشته شده است و در این راستا بزرگترین سهم از آن پروفیسور ژینیوست. وی در طی سالیان دراز (از ۱۹۶۷ به بعد) درباره کرتیر و کتیبه‌های او مقالات متعدد نوشته است و اکنون حاصل همه آنها را در این کتاب کم حجم ولی پرسود می‌یابیم. کتاب چهار کتیبه کردیر موبد دارای بخش‌های زیر است: پیشگفتار، کتاب‌نامه، مقدمه، کتیبه‌های کرتیر به حرف‌نویسی، تطابق کتیبه‌ها با یکدیگر، بخش اول متن کتیبه‌های کرتیر و ترجمه آن، بخش دوم متن کتیبه‌های کرتیر و بازسازی و ترجمه آن و واژه‌نامه. در مقدمه کتاب به اختصار درباره شخصیت کرتیر بحث شده است. سختگیربهای دینی کرتیر موجب شده است که بعضی از ایرانشناسان او را با کاردینال ریشلیو یا رامپوتین مقایسه کنند. اما مؤلف این کتاب بر آن است که این دانشمندان در این باره راه اغراق پیموده‌اند و عقیده دارد که در آن زمان دین زردشتی با ادیان معارضی مانند مسیحیت و مانویت مواجه بوده و کرتیر را از مقابله‌گری نبوده است، ولی احتمالاً آنچه را در کتیبه‌های خود در مورد سرکوبی پیروان ادیان دیگر نوشته، به عمل نیاورده است (مقدمه، ص ۱۷). به نظر نگارنده این سطور دلیلی در دست نیست که در سیاست خشن دینی کرتیر تردید کنیم. خود وی به روشنی می‌گوید که: «و کیش اهریمن و دیوان از قلمرو سلطنتی بیرون شد و آواره گشت، و یهودیان و شمنان و برهمنان و نصاری و مسیحیان و مکتکان (مغسله) و زندیقان (مانویان) در کشور سرکوب شدند، و بت‌ها شکسته شد و لانه‌های دیوان ویران شد، و جایگاه و نشستگاه‌های ایزدان بنا گردید.» (کتیبه کعبه زردشت، ص ۹ و ۱۰). سختگیربهای او منحصر به دینها و آیینهای بیگانه نبود، او حتی تحمل مغان زردشتی را که افکارشان با اندیشه‌های دینی او متفاوت بود، نداشت: «دین مزدیسنی و مغان خوب را در کشور عزیز و محترم کردم و بدعت‌گذاران و مردان فاسدی (?) را که در میان جماعت مغان به دین مزدیسنی و اعمال ایزدان مطابق با مقررات دینی رفتار نمی‌کردند، عقوبت و تنبیه کردم تا آنان را اصلاح کردم» (همان کتیبه، ص ۱۳ و ۱۴). البته همیشه مستبدان برای اعمال خود توجیهاتی دارند. اینکه پروفیسور ژینیو کارهای کرتیر را برای استقرار دین زردشتی تا حدی موجه می‌داند، به نظر درست نمی‌رسد. در زمان شاپور ایران کشور نیرومندی بود با این‌همه، بنا به گواهی منابع داخلی و خارجی، ادیان مختلف از آزادی برخوردار بودند و به کشور نیز از این

LES QUATRE INSCRIPTIONS
DU MAGE KIRDÏR
TEXTES ET CONCORDANCES

PHILIPPE GIGNOUX



UNION ACADÉMIQUE INTERNATIONALE
ASSOCIATION POUR L'AVANCEMENT DES ÉTUDES IRANIENNES



تأليف

سراج‌الدین علی المعروف به فلان آرزو

محمد صدرروای

مجموعه آثار
۱۳۸۵

تألیف

به نظر و تصحیح سراج

انستیتوت آف سنترل ایزواریست ایشین اسٹڈیز

۱۰۰ نیگلند آف آرٹس - کراچی، پاکستان

۱۳۹۱

جهت آسیبی نمی‌رسید. به نظر نگارنده این سطور تخم خشونت‌ی که کرتیر در زمینه دینی کاشت و خود او و پیروانش آن‌را آبیاری کردند، میوه تلخی را به بار آورد که سرانجام چند قرن بعد موجب سقوط ساسانیان شد.^۲

کتیبه‌های کرتیر به دو بخش قابل تقسیم است که ژینبو آنها را متن اول و متن دوم نامیده است. متن اول شامل معرفی کرتیر و القاب و عناوین او در دوران شاهان ساسانی و شرح اعمال او در استقرار دین زردشتی و سرکوب ادیان دیگر است. افزون بر این، این بخش از جهت دربر داشتن فهرستی از استانهای ایران و استانهایی که به تصرف ایران درآمده و در اواخر قرن سوم میلادی در اختیار ایران بوده، اهمیت دارد. بخش دوم معراجنامه کرتیر است که قدیمترین روایت از این نوع ادبی در ادبیات پیش از اسلام ایران به شمار می‌رود، زیرا ارداویرافنامه به صورتی که اکنون در دست داریم در قرن نهم یا دهم میلادی (سده سوم یا چهارم هجری) به صورت نهایی تدوین گشته؛ گرچه هسته اصلی روایت بسی کهن‌تر از این زمان است. کتاب یادداشتها و توضیحات تاریخی و دینی و زبانی بسیاری دربر دارد. فهرست لغاتی که در پایان کتاب آورده شده، بسیار مفید است. بعضی از آنها اصلاح قرائنهای قدیم و بعضی دیگر کلماتی است که مؤلف یا دانشمندان دیگر به کشف آنها دست یافته‌اند. این فهرست مکمل واژه‌نامه کتیبه‌های پهلوی است که مؤلف آن را گرد آورده و در سال ۱۹۷۲ در سلسله انتشارات مجموعه کتیبه‌های ایرانی منتشر کرده بود. به ندرت بعضی از توضیحات لغوی مؤلف نادرست می‌نماید، مثلاً در حاشیه

۹۴ (ص ۳۷) صورت پرستان در فارسی غلط و پرستیدن درست است؛ در حاشیه ۱۰۳ (ص ۳۷ و بعد) کلمه کردگان (kirdagān) «عمل» صورت جمع به شمار آمده که درست نیست. همچنین استدلال مؤلف که پسوند -agān فقط پسوند نسبت خانوادگی است، صحیح نیست. این پسوند موارد استعمال دیگری نیز در فارسی میانه دارد مانند مهرگان، روانگان (خیریه، خیرات)، وازرگان (بازرگان) و ابستاوان (abestāwagān منکر)^۵ و غیره. کردگان کلمه مفردی است که به صورت اسم جمع (مجموعه اعمال نیک به کار می‌رود).

ایرانشناسان از پروفیسور ژینیو که از دانشمندان بنام این رشته است، برای انتشار این اثر ارزشمند سپاسگزارند.

مشر، تألیف سراج‌الدین علی المعروف به

خان آرزو

تصحیح، مقدمه و حواشی ریحانه خاتون،

کراچی، ۱۹۹۱، ۵۶۳ + ۷۰ + xlii

سراج‌الدین علی معروف به خان آرزو از فضیله فارسی‌نویس شبه‌قاره هندوستان در سده دوازدهم هجری قمری است. وی در اواخر قرن یازدهم متولد شده و در سال ۱۱۶۹ در لکنهو وفات یافته است و از خود آثار گوناگونی برجای گذاشته است. مهمترین آثار او کتابهای لغت و زبان‌شناسی است از جمله سراج‌اللمغه، چراغ هدایت (که به چاپ رسیده است)، نوادر الالفاظ و زوائد الفوائد و همین کتاب مشر که اخیراً به کوشش خانم ریحانه خاتون بر اساس سه نسخه خطی تهیه شده و با «پیش‌لفظ» (پیشگفتار) مفصل پروفیسور ابواللیث صدیقی (به انگلیسی) به همراه مقدمه مصحح (به انگلیسی) و به نفقه دانشگاه کراچی، مؤسسه مطالعات آسیای مرکزی و غربی منتشر شده است. علاوه بر آثار نامبرده، خان آرزو دیوان شعری نیز از خود برجای گذاشته و شروحنی نیز بر دیوانهای شعری دیگر نوشته است.

مؤلف در آغاز کتاب ذکر می‌کند که این اثر خود را به تبع از المزه‌ر سیوطی نوشته است و در آن مباحث گوناگون زبان‌شناسی فارسی را به شیوه سنتی، آن‌گونه که در عهد او معمول بوده، مطرح کرده است. مشر دارای ۴۱ بخش (اصل) است و بعضی از بخشها به بخشهای فرعی تو مانند تذلیل، تذنیب، فایده، بشنو و غیره تقسیم شده است. در آغاز به توضیح درباره معنی «فارس» و «فارسی» پرداخته و گفته‌های گذشتگان را در مورد اصل کلمه آورده است که از نظر علمی اعتباری ندارد. حیطة زبان فارسی را در عهد باستان «از رود جیحون تا آب فرات و از باب‌الابواب تا کنار دریای عمان» ذکر می‌کند. سپس به نقل از فرهنگ جهانگیری از هفت زبان ایرانی یاد می‌کند که چهارتای آنها را (هروی و سگری و زاولی و سفندی) زبانهای فراموش شده می‌داند و سه‌تای دیگر

راکه عبارتند از فارسی و دری و پهلوی، زبانهای رایج می‌شمارد. پس از آن به توصیف هر یک می‌پردازد و نیز می‌آورد که در نقاط مختلف ایران زبانهای محلی نیز رایج بوده است و بیتی را به لهجه شیرازی در گلستان سعدی^۶ شاهد می‌آورد و می‌افزاید که «مدار تکلم و ترسل تمام ایران و توران بلکه اکثر هند بر زبان فارسی است که همه فصحاء بدان تکلم کنند» (ص ۴). آنچه درباره زبانهای سه‌گانه رایج می‌آورد، مطالبی است که در کتابهای دیگر نیز آمده است. پس از آن آثار و احادیثی را که «در حق زبان فارسی و فارسیان واقع شده» می‌آورد. بحث درباره نخستین شاعر فارسی مبحث دیگر کتاب است (ص ۱۷ به بعد). سپس به مباحث زبان‌شناسی می‌پردازد مانند لفظ و معنی، غلط و درست، تصرفات هندیان در زبان فارسی، لغاتی که فارسی آنها فراموش شده و به جای آنها واژه‌های عربی به کار می‌رود، مطرد و شاذ، تلفظ لغات، حذف و ادغام و قلب و ابدال، تصرف ایرانیان در الفاظ دیگر خصوصاً عربی و هندی، تعریب، اتباع، اعراب (مصوتها)، حروف (صامتها)، گرچه بسیاری از مباحث طرح شده از نظر علم زبان‌شناسی امروز کهنه و کم‌اعتبار است، با این‌همه از نظر تاریخ این علم درخور اعتناست. گفتنی است که خان‌آرزو نخستین دانشمند از هم‌عصران خویش است که به ارتباط میان فارسی و سنسکریت پی برده است. بخش پایانی کتاب (ص ۵۲۲ به بعد) را فهرستی از اصطلاحات و مثالهای رایج فارسی تشکیل می‌دهد که از بخشهای درخور توجه و مفید کتاب است. خانم دکتر ریحانه خاتون با انتشار این کتاب خدمتی مهم به زبان فارسی کرده‌اند و جا دارد از سوی مراجع ایرانی علاقه‌مند به ترویج زبان فارسی در خارج از ایشان به نحو شایسته‌ای قدردانی شود تا دیگر فضلالی شبه‌قاره نیز بر سر شوق آیند و گنجینه‌های زبان فارسی را بشناسانند و منتشر کنند. چنین می‌نماید که این کتاب از حمایت مالی بنیادهای فرهنگی ایران بی‌بهره بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. نک به احمد تفضلی، «کرتیر و سیاست اتحاد دین و دولت در دوره ساسانی»، یکی قطره باران، جشن‌نامه استاد دکتر عباس زریاب خوئی، تهران، ۱۳۷۰، ۷۳۷ - ۷۲۱.
۲. در مورد معنی این عنوان اختلاف نظر است. بعضی آنرا «منجی روان بهرام» معنی کرده‌اند. نک به ص ۲۶.
۳. رک احمد تفضلی، همان مقاله مذکور.
۴. نک به W. Sundermann, BTT, IX, 1981, p. 164.
۵. نک به نقد احمد تفضلی بر واژه‌نامه مانوی پروفیسور مری بویس: BSOAS 42, 1979, p. 569.

۶. مصحح نوشته‌اند: «این بیت در هیچ نسخه گلستان سعدی دیده نشد. بنابراین تصحیح این میسر نشد.» اما این بیت در گلستانهای چاپ ایران آمده است: نک به گلستان تصحیح و توضیح شادروان غلامحسین یوسفی، تهران ۱۳۶۸، ص ۱۵۳ و ۴۷۵ و ۶۶۹. در صورتی که مقرر به معنی کور باشد، قابل مقایسه است با قاری در فارسی تاجیکی.